پرسی تاریخی زبان و هویت نزادی در کردستان

چکیده
موضوع اصلی این نوشته را تحلیل هویت نزادی کردان شکل می‌دهد و این که، تلقی زبان کردی در تنوع نژادی از یک گروه تا چه از این موافقت با استاد به مطالعه چه بریش ریشه‌ای از بزرگان و شاخص کردستان به این چهار مطالعه متفاوتی نیست. به گردش در کشورها مختل گردیده و چندکشور مهم از این بر اساس تألیف کردی گردید که با نام‌هایی‌که از جمله گذارده شده، عملاً به بسط نخود فرآیند نیل نیامد. سیاست نسبتاً برداشته و تحت قبیلیت قرار نمی‌گیرد، به این سیاست تالیف در پی جنگ جهانی دوم و استقلال سوریه، پایان می‌یابد و مهاجرت بزرگان کرد را به دنبال دارد.

این در دوره‌ی رضا خان، سیاست ادغام را پیشنهاد کرد که نهایت شکل سربازی ویگنر به خرد و همچنین همراه این را به عنوانی در پی تازه‌گرایی گردید. پروفسور اغلب اصلاح فضای تازه‌گرایی را در آن عنصر این تولیدی‌ی بررسی مهم است و همین امر در چهار آمدید بر بهره‌وری هرمی به کمک دوستان آماتو، از این آمدید.

فهرست مطالب
۶۸۱. مقدمه
۶۸۲. انگلیسی کرد و هویت کردی
۶۸۳. کردان و هویت کردی در فرانسه
۶۸۴. سیاست برخورداری با اکراد در منطقه
۶۸۵. کودک
۶۸۶. سوریه
۶۸۷. ایران
۶۸۸. سیاست فرهنگ
۶۸۹. کلید و ارزش‌ها
مقدمه

در آسیا قلمرو کوهلستانی و سیعی که اعضا را از جهان مسلمان غیرعرب جدایی می‌کند از دریای سیاه در شمال تا دشت‌های بین النهرين در جنوب و تا آن سوا رشتخده زاگرس به طرف شرق کشیده شده است. این سرزمین آب پخشان رودهای بسیاری از جمله دجله، فرات و ارس است و موطن اصلی کردها از گذشته‌ها ی بسیار دور یعنی سیار پیشتر از ورود اعراب و ترک‌ها به این منطقه می‌باشد. در حالی که اعراب، فارس‌ها و ترک‌ها موفق به ایجاد دولت شدند، کردها در باره تأکید ماندند. کردها نه تنها موفق به اتحاد نشدند، بلکه همیشه قربانی جنگ‌های دایمی بین همسایگان قدرت‌شناس و تمام خسارت‌های جانی و مالی بی آمدی از این جنگ‌ها، بوده‌اند. اگر چه کردها در دوره‌های مختلف تاریخی یک در جرات متفاوتی بر آمر خویش کنترل داشته‌اند، با این وجود، همیشه زیر فشار همسایگان نیرومندتر و خواسته‌های که مستلزم خفه کردن آمالها و تفی هریت می‌کرد، بوده است، به سر برده‌اند. به طور حتی هریت و زبان کرده هدف اصلی سیاست‌های مرکب‌گرایانه به کار گرفته شده حکومت‌های غالب در منطقه کرده‌ها بوده ولی با امکان استناد کرده در جامعه گرچک کردها در اتحاد شوری که تا اندیزه‌ای آزادی فرهنگی یادداشت برخوردار بودند که در سرزمین اصلی کرده‌ها از آنها دریغ می‌شد. کردها دارای ویژگی‌های فرهنگی مشترک با همسایگان ترک، عرب و فارس خود می‌باشند که مهمترین آنها اسلام امست. با این حال یکی از تفاوت‌های اصلی جداگانگی کرده‌ها از مردمان همسایه، زبان آنهاست که به طور معمول (کرده) نامیده می‌شود و متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی است؛ اگر چه از نظر منشا با زبان‌های فارسی، پشتی...
الف. نخستگان کرد و همیت کردی
قرنها نخستگان کرد، افکار خود را با زبان مردم غالب و حاکم بر آنها بیان می‌کردند.
آنها به سهولت به زبان‌های عربی، فارسی یا ترکی می‌نوشتند، که قدمت این حقيقة به قرن سیزدهم میلادی می‌رسد. این‌ها از نگاره‌های مذهبی و نظریه‌های کرد و نزی این خلقان (فوت ۱۲۲۴ م) یا ابن‌ابی‌ندا (فوت ۱۱۸۷ م) یا ابن‌‌امامان و تاریخ‌نگاران کرد به عربی می‌نوشتند. در قرن نانزدهم میلادی ادریس حکیم بدیعی (فوت ۱۵۲۰ م) اثر خود به‌نام «هشت بهشت» را به نخستین تاریخ سلطان عثمانی است، به فارسی نوشت. همچنین فرماندو شرف خان ایبیس فردیسی (فوت ۱۶۰۴ م)، حاکم قلی‌رود بدلیس برای نوشته شخصی‌اش (۱۵۴۶ م) که تاریخی است درباره سرزمین‌های تحت فرمانروایی حاکمان کرد و هنوز هم مبنی‌آمیزی در مورد تاریخ کردستان در قرون وسطی است از پارسی به‌ره‌گرفت. این تولید به‌هیچ‌گونه دیگر غیر از زبان‌هایی که موقوفت برتر این زبان‌ها را نسبت به زبان کردی به مثابه زبان‌های فرهنگی برتر و در قاجاری حاکم نشان می‌دهد؛ همچنین این امر ممکن است با تابع از احساس تعلق نویسندگان به قدر روش‌نافک و حاکم غیر از جامعه نژادی خود باشد. در این‌مقدم استفاده از زبان غالب، رفتاری غیر معمول به شمار نیامد.

معمولاً این متفکران آفرینشگر (اسم‌بیت ۱۹۹۱ م) و به ویژه شاعران می‌باشند که نخستین قدم را به سوی استفاده از زبان مادری در آثار خود بر می‌دارند و بنابراین موهبه قدرت نماد هویت مشترک و احتمالاً وسیلهٔ نوشته ارتباط خارج از حوزه‌های شعری شدن را به آن می‌بخشند. احمد خانی (فوت ۱۷۶۰ م) اولین شاعر در بیان این
احساس که کردها مردمان متمایزی هستند، در اثر خیالی خود «همه و زیین») همی باشد.
این اثر که شامل ۲۶۵۵۵ بیت می‌باشد است با غنی بودن از نظر ویژگی و فضای مومیایی، سرانجام خود را در میان کردها جانشین مشهور ساخته که فردوسی در میان فارسی زبانها یا هومر در ادب یونانی شهرت دارد. در ابیات آغازین این شعر، شاعر عظمت کاری را که خود آغاز کرده است می‌شناسد، زیرا یک آن زمان تصور می‌شده که زیبان کرده برای یکان فرهنگ ادبی برتر و مسئولیت مناسبی نیازه دارد. بزرگترین مانع در این مورد چنان که شاعر هم اشاره می‌کند، این احساس شناختی در میان خود کرده بود که زبان کرده نژادون از پرداختن به فرهنگ و ادب است، زیرا فاقد دستور زبان معیار بوده و چنین پدیده‌شده می‌شکند که از نظر لغوی نیز ناقص باشد. اگر چه این جنبه‌ای زبان مهمی می‌باشد، خانی خود می‌دانست که مشکل عمیق‌تر از این به بوده و به زرفای یکان آدمیاني نفوذ می‌کرد که به نظر می‌رسد در توانالی شان برای آفرینش فرهنگی برابری خود از طریق استفاده‌های خلاقانه از زبان‌شناسی ویک کرده بودند. خانی در استفاده از زبان کرده برابری میان شعری به خوبی از نقص هبیت‌هی آن آگاه بود و ی همچنین می‌دانست که این تغییر دید تا چه اندازه انتقلا بوده، جانشین یا به کار بردن کلمه ابداعی برای توصیف کار خود به آن اشکاله کرده است، خانی در مورد آنچه که تلاش کرده است در این شعر انجام دهد می‌گوید (رژه شود به رودنگو ۱۹۴۲ م):
(زبان) گفتار کرده را پرپرتمام و پس مانده‌ها ای نافذ‌اند.
چنان که در مورد زبان دری انجام شده‌بوند
آن را در قطعی متعارض آوردم ام و پرپرتمام را به خاطر مراهم تحمیل کردم.
تداوگیر کسی نگمید که کرده‌ناهام و پس راه‌پیماد و وانتی‌نیست.
و باز می‌افزاید که:
چه می‌توان کرده آن سیوه آبی دور نیست؟
زبان کرمانی‌ی است، لر شان همین است!
چه می‌توان کرده آن فرزندریفا نیست؟
خصین فرزنده است، نزد من عزری‌ترین است.
حتی آخرین میوه خوشگلو هم نباید
این فرزند باید با ارزش‌ترین است
متعون من ابزار و جوایز‌ها همه‌ها از آن می‌است
نه این که از کسی قرض گرفته شده باند
چند سطر پایین تر یا از مخاطب‌شونهطلب بخشنم‌می‌نماید:
من حلب سالم نه جواهر (گوهی)
مورد خود ساختگی که کسی چیزی به او نیامده
من کرده‌هستم از کوه‌های بدن
و این جنگلگاهی را به زبان کرده‌می‌گویم
آن را به‌سمت بپیچد
بی‌گذشت و به‌زمینی بشنو
عبارات با اگاهی کامل خانی را از اهمیت آغاز استفاده از زبان کرداشته می‌دهد.
xانی پیروزمندانه بیان می‌دارد که هیچ مهم‌نیست که زبان کردنی جدید به کاسته‌ای
داشته باشد، در هر صورت بر زبان‌های دیگری بپریک دارد به این دلیل که زبان مادری
کرده است و فقط یک ازار برای بیان نمی‌می‌باشد. خانی با بیان این عقاید بسیار شبیه پیش‌ترالی
طبیعی تعیین زبان‌های دیگر که وظیفه خود می‌دانند، زبان‌یابی و طبیعی بودن زبان
خودشان را در حكمرانه‌های فمی از افتراق بی‌پیچیده، عمل می‌کند. (فیکم از 1972).
از این نظر خانی در میان دیگر روش‌های کردنی که به طور طبیعی می‌داند زبان و ادبیات،
وابسته به فرهنگ بوده و ابنته به «ملت» نیز وابسته می‌باشد، پیشگام به شمار می‌رود.

ب- زبان و هویت کردن در قرن بیستم
این علاقه به زبان کردنی تا قرن بیستم ادامه یافت. یکی از ارزش‌شان‌چنین کارها در این
زمینه با هم قدر کوچین (فوت 1894)، ضمن نکوهش‌فراموشی زبان کردنی در میان
خود کردیها، انجام داده است وی خاطر به مردم خود می‌گوید (سردار و شارضاً)
1986)

1- Sardar and Sharaza
زبان کرده‌ی صحیفه‌ای زبان فارسی را ندارد

[{لی} ای‌پی‌زین زبان‌های از فرهنگی به‌خورورد ایست.

که به‌سیب‌نامی بسی‌همتا

اما فقدان همیستگی میان کرده، قدر و قیمت آن را پایین آورده ایست

اگر تمام دست نوشته‌ها و کتاب‌ها، تاریخ و مکاتبات

بی‌زهران کرده‌ی نوشته‌نگاردی شده‌بود

در آن صورت مملکت و شیخ‌ها، شاهان و شاهزاده‌هایمان

که راست‌نگاره‌اً شناخته شده‌نگاً، می‌مانند

در میان‌یان تیه‌نگان‌اند، شته‌که کرده‌ها

از حق خود به‌روای آموزن و نوشتن محرف شده‌اند

اگر تمام علمای کرده، کچنی و بی‌ژرگان را در نظر بگیرید

در عمر خویش هرگز دو کلمه‌کرده‌ی نخواننده‌اند

در میان‌یان تیه‌نگان‌اند، شته‌که کرده‌ها

بی‌کتاب و بی‌دبی‌یان می‌مانند

حجاج قادر، کویی در زمان آشویی، سختی و محرف‌یان در سرزمین‌های

می‌توست، همچنین نیمه قرن توزیه در شرق عصر اوج ملی‌گرایی در لواحقیک و

بالکان بد، که زبان را ثابت نخست در شکل‌گیری موهبت مشترکی در نظر می‌گرفت‌د.

بنا‌ریا ما ممکن است علاقه حجاج قادر، کویی به زبان کرده‌ی بازتابی از این روند

عومرو در امری‌نورد عثمانی به حساب آوریم، اما برخلاف دیگران در این می‌سیاسی-اجتماعی، کویی با مشکلات فرهنگی دست و پنجه نرم می‌کرد و این تنا در

قابل قیمت‌های خارجی بود بلکه قسمت اعظم آن در مقابل مرومان خودش بود که

بی اعتیابی آنها به زبان‌نگاری می‌کرد. از عوامل ناهوضگی علی‌آرام‌ست. در تلاش برای شناس

داند وایستگی میان کرده و همچنین ایست می‌یابد که مورد از طرف

زبان‌نگار وارد تاریخ می‌شوند و در غیر این صورت حتی هنگامی که از

زبان‌های دیگر برای بیان نظرات خوبی استفاده کنند، نخواهند توانست به جایگاه

مناسب خود دست یابند. شاعر همچنین آمده است که دانش واقعی نمی‌تواند در میان

کرده‌گسترش یابد، مگر از طرق زبان کرده و تابل به این هدف که بیش تازه لازم

10 Levant
برای تجدید حیات ادبی مستحکم می‌باشد.

اختراق چاب که در توسه این نظریه ملت1 در قرن هفدهم در اروپا نشسته است در سال ۱۸۹۸، عمومی گردید. این حقیقت است که شرایط زبان‌هایی که روشنفکران فرهنگی کرد در آن زمان با آن روبرو بودهند نشان می‌دهند در اولین شماره‌نامه آن به تاریخ دوم آوریل

۱۸۹۸ مقداد مهدت بدرخان نوشته: امروزه هر اتفاقی که در جهان بیفتد در زبان‌های کردی گزارش می‌شود و می‌تواند اینها مطالبی را می‌آموزیم. بدبخته‌تر این که با وجود هوش و شجاعت، بدون اطلاع از آن چه که در سیر این زبان‌ها می‌گذرد، زندگی می‌کنند.

من این شرایط را متشکل می‌کنم تا شما را از توسه‌های امروز در جهان آگاه کنم و به کردی می‌نوشتند و خودشان ترقب نمایند.2 این مطلب با وجود سادگی اش، بیانگر وضعیت رایج نخست‌گاه کرد است. که کُرده‌ها تنها از طریق زبان کردی می‌توانند به یک آگاهی پایدار از جهان برسند.

قبل از جنگ جهانی اول، صرف‌نظر از فعالیت‌های محدود خبری، ادبیات کردی به شعر و

مقداری شد که اندکی از آن متشکل شده است. محدود شده بود.

در زمان صلح ۱۹۱۸، نیروهای بروینی استان موسلا را که قرار بود مرکز کردستان عراق اعلام گردد، اشغال کرد بودند. اولین اقدام بروینی اخراج کارکنان غیر نظامی ترک بود. به منظور از بین بردن پیش‌نشستگی بین کردی و اوشان، بروینی‌ها را در اداره امور جایگزین کرکنده نمود. بخش بزرگ‌تری به زبان کردی از استناده رادیویی زبان بروینی در نام «شرق اوسط» در جافا3 و به فاصله‌ای زمانی کمی بعد آن از طریق تقویت کندنه رادیویی بغداد، آغاز شد (ایاموندرز ۱۹۷۱).

این مدت کوتاه در تاریخ کردستان، زبان کردی را به مقصدی مربوطی داشتند. در زندگی کردی

پیام‌های دارد و این موضوع مطرح شده در خواسته‌های مصرف‌های برای ایجاد برنامه‌های دولتی

1- The idea of the nation 2- Kurdish - Ottoman 3- Jaffa
ج- سیاست برخورد با کردانها در منطقه

1- ترکیه

جمهوری ترکیه از همان آغاز بسیار نهاده شدن بر روی ویرانه‌های امپراتوری، خود را یک دوست واحده ملی و دارای یک ملت و یک زبان و یک فرهنگ معرفي کرد. جنگه مکمل تغییرات اجتماعی و سیاسی که تاکنون در تاریخ جهان مختلف از اینجا دیده و تجربه که شده است، تا حد اکثر، صحیح می‌باشد و به زبان‌های استعماری عربی و انگلیسی نسبت به زبان‌های محلی استفاده می‌کند.

2- سوئیس

سفر به سوئیس، به عنوان یکی از بهترین مارکت‌های دنیا برای تجربه مسکن و زندگی، کمک می‌کند تا بهتر درک یک مکان را که به آن نسبت به ویرانه‌های امپراتوری و نیز به سیاست‌های عمیق جهان، توجه بگذاریم. به توجه است که تاکنون در تاریخ جهان، بسیاری از سیاست‌های مواجه با رقابت بین شاهنشاهی‌ها و قدرت‌های سیاسی در جهان، به ویژه در دوران امپراتوری، به توجه به فناوری و تکنولوژی وجود یافته است. به دلیل این‌گونه تکثیر، استعداد و رقابت، به یک مکان از جمله سوئیس، وارد نموده شده است.

3- شاپوریان

شاپوریان برای اولین بار در سال 1960 میلادی در تاریخ جهان بود. این روز، به عنوان بزرگترین اثر در تاریخ جهان بوده و باعث شده که این مکان به عنوان یکی از بهترین مکان‌های جهان به‌شمار آید.

4- گریسل

گریسل، به عنوان یکی از بهترین مکان‌های جهان بوده و باعث شده که این مکان به عنوان یکی از بهترین مکان‌های جهان به‌شمار آید.

1- Sevres
2- Lausanne
3- شاپوریان
4- گریسل
بر زبان ترکی، با ابراز عقاید قومی، خود به زبانی غیر ترکی ناسازگار بود. اگر و هویت کردن در ذهن نزول بر تجسمات سخت و حصر امیزان، من شهوت و جنی به دستور زیب خطاب به کردن نشان می دهد: «به روی هر کسی که شما را کرد بدند، تفیندزایید...» این طرح برخورد با ت ciąگر نسبت به وابستگی متقابل موجود میان هویت ملی و زبان را در میان کردگان ترکی ۱ دانش می دهد، و اگر چنین بودد، اظهارات فوق بیان نمی شد.

این نگرش در مورد کردها و زبان آنها در قانون اساسی جدید سال ۱۹۸۳ ترکیه تحت اجبار حمایت ماده ۳ با این عناوین گنجانده شده است که: «زبان مادری تمام شهر وندان ترکیه، ترکی است و همچون زبان دیگری که قانون آن را ممنوع کرده باشد نیاز برای بیان و یا تبلیغ عفاید بکار رود.» استفاده از هر زبان دیگری غیر از ترکی زبان مادری وایاگنترش چنین زبانی ممتع می باشد. اجرای این ماده در مورد زبان کرده به این منظور است که این زبان را وسیله گسترش فرهنگ در ویژه ترین مفهوم کلیه نه تنها در عرصه اجتماع بلکه در حوزه خصوصی نیز، با این نشان آن به متأسفانه زبان مادری وایاگنترش به عنوان نام این قانون اساسی بدون مشارکت داوطلبانه کسانی که هدف این قانون بودند و نیز صورت معنی داری اجراء نخواهند شد، ولی این امر مانع از عمل آنها به طریقی که می خواستند تغلب دید. این نگرش که بیانی تطبیق مزکز گوایی ترکی است، به هر ترتیب نوعی مرکزیت خواهی ملی گوایه از همه نوع را در مورد آن قسمت از شهر وندان ترکیه که هویت اجتماعی آنها مورد تهدید قرار و رفتگی به نفی شده است، دامن می زند؛ کردها از این مورد استثناء نیستند؛ این امر توضیح می دهد که جراید اتودال در سال ۱۹۹۱ به تهیه کلی اعتراض کرده که زبان کرده در ترکی موجود دارد و حدود دوازده میلیون نفر بدان سخن می گویند. این نفت افکار جالب است زیرا دانش دهندگی تصدیق یک واقعیت به شمار می رود، اگر چه سیاست‌های خارجی و داخلی آن زمان ممکن است تمامی در اعلام و تعیین زمان آن بوده باشد. در هر حال، بازتاب حرکت اوزال باعث یک تغییر شدید در اصل تفکر ترکی نگوئید، زیرا جزیی را به این مطلب نمی افزاید که کردهای ترکی فقط ترکهای یک هستند و نه کردهای ترک که در کلار زبان ترکی در زندگی زبان دیگری را نیز به کار می بردند. در پیشترین حالت، اعلام

1- The Kurdish Turks
1- سوریه

برخلاف تركیب، دولت تحت قیمت فرانسه در سوریه نسبت به تلاشها برای احیای زبان کردی بسیار بردار بوده به همین دلیل گروهی از متفکران روشنفکر در دمشق به دور فرموده و سلادت بدرخان ؛ اگر یک نوع افکار مهاجره، تقیبلاً شیوه افکار جمهوری جدید ترکیه برای زبان ترکی، برای زبان کردی به وجود آورد بوده گردید. این افکار در میان کره‌ها که آن را دوامی بسیار فیضفیز، از مقیمین زبانی برخوردگر دید. و یا گسترش به پردازش ادواری مانند هاوارد، دوپس و روتویو که در آن‌ها علاقه‌می‌داد به تحقیق زبان شناسی زبان کردی و جدود داشت، توانایی زبان کردی به مثابه و سهیله ازبینی جدید را فراهم ساخته، به مرحله پس از جنگ جهانی دوم و استقلال سوریه، کرده آزادی فرهنگی خود را از دست دادند و به مثابه پی آمده بازاریز آن زبان کردی و شیرات کرده‌که به شدت می‌انداخت. میس نویسندهان و متفکران کرد را طولانی بی‌تهیه را ایفا می‌گردد. کرده‌که هم‌مردان خود در آوریا، امریکا و حتی نقاط دوری مانند استرالیا، در پیش گرفتند.

2- ایران

در ایران (ایران بعد از 1935) تحت رژیم رضا خان حاکمان، یک رشته عملیات را برای ادامه مردم غیرفارسی زبان هدایت کرده بود. در مناطق کردنشین که به چهار منطقه فرعي اجناسی که مستقیماً از تهران اداره می‌شود تشکیل شده بود استفاده از زبان کردی در تمام مدارس و نشریات کردی و همجین در تمام امور دولتی با خطر محكومیت طول المدت در زندان ممکن شد. یک نمونه در میان تمام آن‌ها که بکارگیری این سیاست را نشان می‌دهند مربوط به هیأت شرقي لوتران 3 در سال 1979 می‌باشد. می‌شود که به آن‌ها دستور داده شد تا از کردستان را از عناوین مجله‌های اکتیکای زبان

1- Prince Cedadet Badrkhan
2- Herwar, Ronait and Roje Nū
3- Lutheran Orient Mission
خود «میسریونی کردمائتان» اکنون در زانوبیه ۱۹۲۵ با نام «هیأت شرقی لوتران» منتشر شده است.

بردارند.

به هر حال تا جنگ جهانی دوم و استعفای رضاخان در سال ۱۹۴۱، اوضاع کردها، آن هم به طور موقت، شروع به بهبود گردیده و عصر طلایی زبان کردی در زمان جمهوری کردستان که در زانوبیه ۱۹۴۱ در سال چیلاغ پایه‌گذاری شد، کمتر از یک سال دوم از آن در خلاف این دوره بسیار کوتاه، زبان کردی زبان رسمی نشریات و مدارس علامت و تبلیغات هیجان انگیزی برای توهمی کاربرد آن در روزنامه‌ها، مجلات و دیگر نشریات که در مراکز مختلف کردنی‌نشین از جمله مهاباد و بوکان منتشر می‌شودند صورت پذیرفت.

سیاست سرکوبی که در پی انقضای جمهوری کردستان در ایران انجام شد، شاعران و نویسندگان را مجبور به جلای وطن کرده، بسیاری از آنان در کردنی‌نشین عراق، که کرده‌ها آن جا اجراً تشریفات باید کرده در ایران و برافتن حکومت سلطنتی بهلوی در سال ۱۹۷۹ که اوضاع به ارواح شروع به بهبود نموده است، ادامه داشت. در آن زمان احزاب سیاسی اولویت را به تدریس زبان کردی در مدارس و استفاده از آن در اموزش اداری دادند. اگر چه در شرایط کونی زبان کردی در مدارس مناطق کردنی‌نشین با مؤسسات آموزش عالی تدریس نمی‌شد و کتاب‌هایی که به زبان کردی نوشته می‌شودن از این امر این هند، [اما ناپاید]

نتش فراگیر ایدئولوژی‌کرده بر ملاحظات زبانی یک فاقد آمده، نادیده‌گرفت.

۴- عراق

در عراق کردها خود را شهرودنیان یک دولت عربی یافتن کرده که در آن زبان تازی و فرهنگ مرتب می‌باشد. دو ذکر کرده که در او دیده کردها به رسمیت شناخته شده و کردها توانستند مدارسی را در بخش‌های کردی عراق را به کردها تدریس نمود. این دو ذکر کرده به عربی محدودیتهای به شمار و انواع مشکلات، ابداییات کرده‌کردنی گردیده و در خلال جهان سال آتش‌سوزی بین دولت عراق و کردها در اوائل دهه ۷۰ (۱۹۶۰) زبان کرده به خوبی رشد کرد. با استفاده از این فرصت کمک‌آموزی، شمار اندوهی از کرده‌های ساکن بخش‌های مختلف عراق که تا آن موقع به طور نسبی با طبقه‌نشینفکر عرب در هم آمیخته بودند، اصل کرده خود را یافتن شروع به استفاده از زبان کرده همچون

1- Kurdistan Missionary
وسیله بیان نمودند. ارتباط مطبوعات، تاریخ‌نگاران، زبان‌شناسان، مهندسان، زیست‌شناسان و شیمی‌دان‌ها دست به اتصال کارهای خود به زبان‌کردی زدند. طی ماده 183 قانون، یک فرهنگستان زبان کردی در سال 1971 در بغداد دادگیر شد. اساسنامه فرهنگستان (آکادمی) آن را مرجع سایه‌نگری که «کلاه کند با تألیف فرهنگ لغت‌های علمی و زبان‌شناسی و کردی، زبان کردی را حفظ نموده و توسعه دهد.» ان دراخته‌ی زبان کردی نیز در طی همین دوره در سلیمانیه ایجاد شد. این رشد مطقل‌گرایی و مبنای زبان کردی در عراق تأثیر مثبت پزشک در توسعت زبان کردی در ترکیه، ایران، سوریه و همچنین در منابع کردی‌های پراکنده (در سراسر جهان) داشت.

در این دوره، پیوستگی در زبان‌گویان و شاعران کرد در ترکیه و سوریه جایی که هر نوع بیان فرهنگی به زبان کردی متنو می‌وده و هست، راه‌هایی را در بخش گرفتند و به دست‌های هزار کارگر کرد مهاجر مانکین از اروپا پیوستند. در مبان تمامی کشورهای میان بودن، سوئد نشان داد که مناسب‌ترین مکان برای یک رسانه شگفت‌آور در زبان‌کردی می‌باشد. دولت سوئد که می‌پذیرفته، در میان زبان‌کردی را در پایان‌های کشور می‌پذیرفته، این امر شرایط مناسبی را برای جستجوی آورد که متغیران کرد را قادر ساخت با خانواده‌های نشر زبان کردی را را به جهت اجتناب ناباید بی‌مرجع به شکوی‌ها و شایعات اخلاقی را تهدید داشته، و باید با نظر گرفت این که اعداد زیادی از افراد دست‌اورد کار این رستاخیز تا زمان پایان شود به عرصه بالکنی توشته‌گردند، اما اکثر شروع به استفاده از زبان‌کردی در سوئد می‌پذیرفته، فرهنگی کاملاً جدی و منابع کردی، دوباره است. از جمله نویسندگانی که در این رستاخیز مهم‌ترین هستند، می‌توان به نمونه‌های سبک، مهمه، نویسنده، برهون، شهین‌نویس، و سایر نویسندگان اشاره کرد که با استفاده جدیدی را می‌آمیزدند که مناسب‌ترین که باشد به طوری که زبان را غنی سازد و آن را با شاعران و نویسنده‌هایی که با تأثیر بالای عمل بتوانند استفاده کند، مانند شاعری از نویسندگان کردی در سوئد مشترکش در است که این را قبلاً یافته، یک نویسنده زبان‌شناسی فرهنگی را در اروپا تأیید می‌نماید.

1- Mehmet Uzan, Mahmut Baski, Mehmet Emin Bozarslan, Zeynalabdin Zinur, Robiat, Shahine Sontekı and Nare Naze
پرسی تاریخی زبان و همیت تازادی در کردستان

1. کرمان، سنین و زن
2. کرمانی
3. Le Bureau National des Langues et Civilisations Étrangères
4. The Kurdish Institute in Paris
- Rudenko, M.B. Amâdxan, Mamîzin, Moscow, Peoples of Asia Institute, 1962.